

مجموعه کتاب های قرآنی شاکید

۲

خدمت اسلامی

حجاب

نویسنده و گردآوری: رضا قدیری صوفی

انتشارات شاکید

سروشنامه	: قدیری صوفی، رضا، ۱۳۴۰ -
عنوان و نام پدیدآور:	حکومت اسلامی و حجاب/ نویسنده و گردآوری رضا قدیری صوفی.
مشخصات نشر:	تهران: شاکلید، ۱۳۹۷.
مشخصات ظاهری:	۶۸ ص.
فروست	: مجموعه کتابهای قرآنی شاکلید؛ ۲.
شابک	: (۹۷۸-۶۰۰-۹۶۴۹۸-۹-۱)
وضعیت فهرست نویسی:	فیا
موضوع	: حجاب - جنبه‌های مذهبی - اسلام
موضوع	: Hijab (Islamic clothing) -- Religious aspects -- Islam:
موضوع	: حجاب - جنبه‌های قرآنی
موضوع	: Hijab (Islamic clothing) -- Qur'anic teaching:
موضوع	: اسلام و دولت
موضوع	: Islam and state:
رده بندی کنگره:	BP/۲۴۰/۱۳۹۷۱۷/۸ح۴ق/
رده ی دیویی:	۶۳۶/۲
شماره کتابشناختی ملی:	۵۲۲۹۹۲۶

انتشارات شاکلید

نام مجموعه: مجموعه کتابهای قرآنی شاکلید

نام کتاب: حکومت اسلامی و حجاب

تألیف و گردآوری: رضا قدیری صوفی

چاپ: اول ۹۷

ناشر: شاکلید

شابک: ۹-۱-۹۶۴۹۸-۶۰۰-۹۷۸

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۱۳۰۰۰ تومان

کلیه حقوق مادی و معنوی اثر متعلق به ناشر است

تماس جهت سفارش: ۰۹۳۵ - ۱۰۲۴۳۳۸

مقدمه ای که حتماً باید خوانده شود ۷

فصل اول - حکومت اسلامی ۱۵

۱ - دین اسلام یک نعمت و منتهی بر انسان ها ۱۷

۲ - حکومت اسلامی و مهمترین وظایف آن ۲۱

۲ - ۱ - ۴ - ترش و ترویج دین خدا در بین مردم ۲۱

۲ - ۲ - ۳ - اعمال مجازات خاطیان ۲۴

۲ - ۳ - ۳ - پیگیری جرم یا گناه ۲۶

۲ - ۴ - ۴ - روش زندگی در حکومت اسلامی ۲۸

۲ - ۵ - ۵ - منظور از لا سره فی الین ۳۴

فصل دوم - حجاب ۳۹

۱ - حجاب و واجب بودن بی چون و چرای آن ۴۱

۱ - ۱ - ۱ - حفظ حجاب حتی قبل از هیبوط حضرت آدم (ع) ۴۱

۱ - ۱ - ۲ - حضرت حوا (س) به زمین ۴۱

۱ - ۲ - ۱ - حجاب زنان پیغمبر (ص) ۴۱

۱ - ۲ - ۲ - نحوه گام برداشتن زنان در برابر نامحرمان ۵۳

۱ - ۲ - ۳ - چادر به عنوان حجاب برتر ۵۴

۵۷..... ۱-۳- حجاب مردان

۶۱..... ۲- فحشاء

www.ketab.ir

مقدمه ای که حتماً باید خوانده شود

دین خدا، یک موهبتی است که به دست انسان ها رسیده تا آنها را متذکر و آگاه نماید که زندگی فقط همین دنیای مادی پر چالش و پر رنگ و لعاب زود گذر نیست؛ و فردایی است در پیش رو که با مرگ شروع می شود (همانند کودکی که از جنین مادر به عالم دنیا پای می گذارد و از این دنیا نا آگاه است و تا زمان شگفتی های آن آگاه می شود)، قیامتی هست و سؤال و جوابی بر آن چه می کردیم در این دنیا. اینکه تا چه میزان از دستورات خداوند در قالب دینش اطاعت کردیم خود، سرنوشت زندگی جاویدان را شخصی را در آن دنیا رقم می زند. پس دین خدا، راه چگونگی درست و سلامت پیمودن و به جوار حضرت حق رسیدن است با همه قوانین و امر و نهی هایش و منتی است بر سر انسان ها. لذا فرمانبرداری از احکام دین، به نفع خود شخص و هر میزان نافرمانی بر سرری از خدا و دستوراتش، به ضرر آن شخص نافرمان می باشد.

اگر از مردم زمانه سؤال شود (به غیر از کسانی که خدا و دین او را قبول ندارند) که آیا خدا را قبول دارید؟ همگی پاسخ می دهند، بله. اگر از یک مسلمان نیز چنین سؤالی پرسیده شود، او نیز پاسخ مثبت می دهد و اگر در ادامه از آن مسلمان پرسیده شود که آیا پیامبر خدا (ص) و کتاب بر حقش را نیز

قبول دارد؟ بی درنگ پاسخ مثبت می دهد. ولی باید دانست که برای مسلمانی فقط همین موضوع کافی نیست؛ چرا که این موارد تنها در محدوده ورود به اسلام است و اگر کسی به این سوالات پاسخ مثبت دهد، در واقع اسلام آورده و هنوز مسلمان نیست و برای مسلمانی باید در دین حرکت کرد و به جلو گام برداشت تا به مراتب هر چه بالاتری از درجات ایمان رسید. مسلمان یعنی مقام تسلیم شدن در برابر دستورات خداوند. یعنی هر چه از جانب خداوند امر شد، بی هیچ بهانه و سستی فقط اطاعت کرد. لذا بر این مینا نمی توانیم خود را مسلمان بنامیم ولی بعضی از دستورات خداوند را انجام داده و بعضی را نادیده بگیریم یا که توجه باشیم و به اصطلاح قرآن «بعض بعض» نماییم. ابرایر یک مسلمان زمانی مسلمان واقعی است که تسلیم تمام ابرایر را در دین باشد و خداوند نیز چنین بندگانی را دوست دارد. حال برای اینکه، بخواهیم احکام دین خداوند را در زمین جاری کنیم، نیاز به یک حکومت و قدرت سیاسی - اجتماعی - مردمی داریم و به معنای دیگر، نیاز به یک حکومت اسلامی داریم. از جمله احکامی که در این حکومت باید رعایت شود، حجاب است که در این کتاب، ما توجه به آیات قرآن به هر دو موضوع، پرداخته شده است.

در فرهنگ و جوامع غربی که حکومت اسلام در آنها رواج ندارد، با اینکه مثلاً به شریعت یهود و یا مسیح هستند، مشاهده می شود که برای دستیابی به منافع دنیایی و سرگرم شدن به

آن، از مدت ها قبل، هر کس به آنچه از آمال و آرزوهایش بود
 دل خوش بوده به گونه ای که حتی برای بهره مندی بیشتر از
 دنیا، به تحریف کتب آسمانی دین خود متمسک شده و با دست
 بردن در آن و تغییر و تحریف آن به نوعی کتاب خدا را پشت
 سر انداخته به گونه ای که اکنون از دین خدا جز ظاهری نخ
 نما شده آنهم فقط درون کلیساها و یا دیرهایشان باقی نیست.
 در سیاست و روابط اجتماعی و اقتصادی خود فقط از عقل
 ناقص و محدود بشری خود بهره مند شده تا خود را بهتر
 وانند به حق و خوی حیوانی و دنیاپرستی آمیخته کنند. بر
 همین مبنا و مآراها مشاهده می شود که در چنین جوامعی،
 روابط بین زن و مرد و دختر و پسر نامحدود بوده و تنها
 محدودیت این رابطه، عنصر رضایت طرفین است. یعنی رابطه
 بین دو جنس مذکر و مؤنث تا جایی آزاد است و می توانند
 پیش بروند و حتی بدون هیچ پند زناشویی و تعهدی آمیزش
 نمایند که طرفین رضایت داشته باشند. البته اگر نارضایتی از
 سوی یکی از آنها محرز شود، روابط زن و مرد غیر قابل احترام
 و از آن به عنوان یکی از اقسام خشونت های جنسی نام
 شود. در چنین جوامع بی حد و مرز و حیوانی و در بعضی موارد
 بدتر از زندگی حیوانی، مشاهده می شود که به نام آزادی، زن
 ها را استثمار کرده و بسیار زیرکانه و صد البته وقیحانه از زن
 ها تنها برای تمتع لذات جنسی و شهوت مردان استفاده می
 گردد و اگر احترامی برای زن قائلند و برای آنها حتی پست و

مقامی هم در نظر می گیرند، اهداف همگی در همین راستا است. در فرهنگ غرب، زن هر چه بی بند و بار تر و عریان تر باشد بهتر است. به گونه ای که در مجالس و مهمانی های رسمی و به قول خودشان معتبر اگر مردی قصد ورود بدون پوشش کت و شلوار داشته باشد، اجازه ورود ندارد و بالعکس زنان مجالس، هر چه عریان تر باشند، مورد قبول تر و بالتبع مورد استقبال قرار می گیرد. لذا باید توجه نمود که در فرهنگ غرب زن و جذابیت های بدن او باید در تیرس دید و چشم منقبض باشد. این دیده شدن هر چه پر رنگ و لعاب تر و تحریک پذیرتر باشد، بهتر است و منعی برای آن وجود ندارد چرا که به نام آزادی تعبیر می شود و به این آزادی حیوان منشانه خود نیز افتخار می کند. در بین جوامع، حجاب و حفظ آن یعنی تجاوز به آزادی زن. اگر کسی حجاب باشد به او به چشم یک بیگانه می نگرند. چرا که مخالف ایده آل های اکثریت جامعه رفتار می نماید و از آنجایی که حمایت دولتی نسبت به این افراد وجود نداشته و یا نسبی است (البته آن درجه نسبی هم در حد بسیار اندک است)، برای شخص معتاد به این دین اسلام، حفظ حجاب و تعامل با دیگران، بسیار سخت و نادر آور است.

اما در حکومت اسلام، که دین خداوند در آن جاری است و دستورات و احکام دین باید پیاده شود، دیگر همانند جوامع افسار گسیخته غربی نیست. در اینجا باید سیاست ها و روابط

اجتماعی - اقتصادی - فرهنگی (منظور همه امور مردم است) بر مبنای اسلام تبیین شود. لذا اگر در جایی ضعف، فساد و نارسایی ای مشاهده شد، از دین اسلام و احکام آن نیست بلکه ناشی از ضعف و سستی و نالایقی آن افرادی است که نتوانستند دین اسلام را پیاده سازی نمایند. حال در حکومت اسلام و در روابط بین دو جنس مخالف با توجه به تفاوت های ظاهری که دارند و همچنین آنچه حکمت خداوند بر آن استوار گردیده، محدودیت هایی وجود دارد. در حکومت اسلام، زن، یک وسیله ابزار نیست که تنها برای تمتع مرد مورد استفاده قرار گیرد. بلکه برای زن تقدس و احترام قائل است و اولین نشانه این تقدس، گرامر را در پوشش و حجاب قرار دادن زنان مسلمان از دید مردان نامحرم، به رخ می کشد. تا همگان بدانند دستیابی به چنین گویا، تنها برای اسلام تا این حد ارزش دارد که آن را در پوشش قرار داده است. انسان و راحت نیست و باید بر طبق ارزش و شخصیت یک چنین زنی، با آنان برخورد شود و مردان تنها و تنها از طریق راه روشن دین به آنها می توانند دست یابند که راه و روش ها هم کامل و واضح و مشخص اند.

حال اگر در جامعه اسلامی زنان بخواهند همانند جوامع غربی، خود را همچون وسیله ای در اختیار مردان قرار دهند و برای این منظور از پوشش و حفاظی که آنان را محجوب، باحیا و ارزشمند می کرد، خارج شوند و در تیرس دید نامحرمان قرار

گیرند و بدتر از اینها، خود را آن چنان تحریک آمیز جلوه دهند که تمام نگاه ها را به سوی خود جلب نمایند، در اینجا دوگانگی فرهنگی به وجود می آید. به این صورت که بر اثر سستی و لجام گسیختگی فرهنگی که در حکومت اسلام رخ داده، زن و مرد مسلمان قصد دارند همانند فرهنگ منحط و حیوان منشانه غربی رفتار نمایند ولی چون در حکومت اسلام هستند، محدودیت های دین، دست و پای آنها را بسته است. حال آنکه به جامعه دینی لجام گسیخته تر و از لحاظ فرهنگ دینی سست تر باشد و زنان برای خودنمایی در تیرس بیشتر و عریان تر باشند. مرد آن بیشتر به چشم مردم می رود و خسارات جسمانی ناخیر می تواند در روح و روان جامعه، خانواده و به ویژه مردم در پی داشته باشد و پی آمد آن نیز انواع گناهان منشعب شده است. در نتیجه یکی از مهمترین وظایف یک حکومت اسلام این است که تدابیر ویژه ای برای جلوگیری از این وظایف بسازد. فرهنگ - اجتماعی اندیشیده و در جهت هر چه اسد می تواند باشد. حکومت تلاش نماید و این یعنی همان مقام خلیفه الهی از روی زمین که در پی برقراری احکام خداوند در روی زمین شکل می گیرد. لذا سست جلوه دادن احکام و رو به زوال کشانیدن دستورات الهی، بر خلاف مقام خلیفه الهی انسان است. پس وقتی که می بینیم خداوند در آیات ۵۶ و ۸۶ سوره مبارکه اعراف یک بار از زبان خود و یک بار از زبان پیامبر خود

حضرت شعیب (ع) چنین فرموده اند: « و در زمین پس از آن که کار آن نظم و صلاح یافت و اصلاح گردید به فساد و تباهکاری برنخیزید»، باید بدانیم که منظور از رو به اصلاح گذاردن، همان برپایی حکومت اسلامی و رواج احکام الهی در مقام جانشینی خداوند بر روی زمین است و منظور از فساد هم، نادیده گرفتن هر دستور خداوند است که یکی از آنها نادیده گرفتن دستور حفظ حجاب و سست شدن روابط زن و مرد است. فلذا این آیات سوره مبارکه اعراف، درجه اهمیت موضوع بحث را بیشتر نمایان می کنند که تا چه میزان مسؤولیت سستی در عهد، تک تک مؤمنین و به ویژه حاکمان و مدیران حکومت اسلامی می رسد.